

از تفسیر غزالی در علم ابرار

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم الحسب

ای عزیز بیکه طلب خود یکی در بخت و دین جاهد و دنیا نه و با تش و بخیر کم است
یعنی بگذارد و خالص کن تا شایان مهر لیسند سندن کرد و در بازاران
استری من المؤمنین ^{از جمله منکران} نفسان را درین راه با هر آنکه او را ازین با
دوران سرمایه توانی که بصاحت دین خالص را که الا الله الدین الحی خالص
کنند و شاید که رمزی از اسرار و المصون علی خطر عظیم بر تو بکنید و در
لوامع انوار نفس شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من نور شایع بر تو تا بد
داند ای داعی ادعوی استجب لکم باعنه در دل تو بیدار آید و از حسیض قل
شاع الدنيا قلیل بائی همت بیرون نهی و از اوج و الاخرة خیر و البقی عبودیت
و از نسیم قرب و سخن اقرب الیه بویی عثم جان تو برسد و سحره
قلب از آن در اهتر از آید و از با و خزان قل الله نعم در هم در بوستان تجرید

والمخلصون

و لا تدع مع الله الها آخر بی برک شوی و شاید که ریاح فضل بهاران الدین
سبقت لهم منا الحسنه در روزیدن آید و حساب الله کجستی الیه من
ینا و قطرات فیض و العالیل فضل با ریدن کسیر و در رضی ریاض قلب
از نباتات و علمنا ه من لدنا علما همه سبز شود و شجارتین روح
از تماران رحمة الله قریب من المحبین جمله بار و کرد و عیون و صول از
سرسیمه عینا نسر ب بها المقربون در وادیه و ابر در و و یاد و مشر
اقبال ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء بشارت چنین دارساند لاتی نو
و لا تخزنوا بشرا و با الجنة الیه کتم تو عدون در ضوان جنات نعیم رضی الله عنهم
نما و هر کلو او شربوا انیما بما کتمتم تعلمون **ای عزیز** زبیر سرس از آن روز که یوم
یفر المر من اخیبه و امه و ابیه و از محاسبه دان شد و اما فی انفسکم او
تحفوه یا سبکم به الله اندیشه کن و چون اولک کالانعام بحطو ظنفس
مشغول باش در سر و مراقبه فا ذکر کنی او کر کم فرود بر دیده اول و در دیده
و جوه یومئذ ناظره الی بهاناظره بکن و نظاره کن و از نعیم و لکم فیها ما تبتغون
انفسکم و لکم فیها ما تدعون یا و آورشاید که ندانی داعی و الله یرعوالی دار السلام

در کوشش هوش توافتد و از خوابگاه غفلت انما حیوة الدنيا لعب و لعبه بدارد
در طلب درجات و الب بقون الب بقون اولئك المقربون فی جنات
النعیم از سه قدم سازی و مرکب همت از جان و دل در تازی تاپشته الطاف
الله لطیف عباده با هزاران اطباق هدایا لعم البشر اتر پیش آید و عا کر اعدا
و الله **عز وجل** السموات والارض همراه تو شود و برت کرا عدا که ان الشیطان
لل ان عدو مبین نیر و زاتی و از دام هوای نفس که ان النفس
لاماره بسود خلاص یایس و لوح دل را از نفاق لطائف اسرار و تقوا الله
و یعلکم الله مرقوم کردانی و مرغ روح تو از امطار قدیم یاد دارد و در فضای
سالک فاسکی سبل ریک زلال بجناب شوق در بر و از آید و در غار انس
بساطین کلی من کل النمرات مخطوطه کرد و آینه سر تو از لوازم انوار
تجلیات همه صفت نور گیر و در یو لیل فی النهار مکتوف شود
در وضو ضمیر تو از امطار مرصم دانزلنا من السماء ماء فابتناب
جنات و حب محصید سر سبز همچو باغ لدم کرد و در حینا بر بلده متنا

صعود

از

مر ترا فرا هم نمود دستار مکتفنا عنک عطا و ک فبهرک الیوم حدید پیش خود
بر اندازد و تو در دست هدیه کمال او فرومانی گاهی در دیاسی بی نیاز می ان الله
لغنی عن العالمین فرود شوی و از سموم هببت افانوا مکر الله در کردب
حسرت سر کردان فرودمانی و گاهی از نسیم لطف ولایتا سوسن روح الله
در گلشن تجید چون عند لیب از شوق در ترنم آسبی و از غنات و جود
نغمه انی لاجدر یح یوسف بر کنشی حسنا و بزبان ملاحت پیش آید و
کویند تا الله انک لغنی ضلالتک القدریم چون تاثیر و القه علی وجهه فارتد لصر
نظاره کرد و هر همه بر هزاران نیاز و عجز در خواست کند استغفر لنا ذنوبنا انکنا طین
و از سه صدق و اخلاص بر تو خویش لقد انزلک الله علینا و تو در مقام نجات آتیی
و بزبان حال گوئی که رب قد آتیتنی من اللک و علمتني من تاویل الاحادیث
فاطر السموات والارض انت و لیبی فی الدنیا و الاخرة تو نین مسدا و الحقیق
ای سر پیش ازین تعافل کردن و بجات دنیا معوز شدن نه دلیل سعادت به
مگر خطاب از ضیعت با حیوة الدنیا من الاخرة بکوش جان تو نرسیده است و از وعید
و من کان فی ذنوب اعسی فهو فی الاخرة اعمر و اضل سبلا هیچ خوف ندایی و از
تهدید اقتراب لناس حسابهم و هم فی غفلته معروض هیچ اندیشه نمیکنی و از
توبخ من کان یرید حزن الدنیا نوتة منها و مالہ فی الاخرة من نصیب هیچ یاد
نی آری و از تشنه بر فاما من طغی و انزلک حیوة الدنیا فان بحجیم المادی هیچ

انتباه نمیکری تا چند در تیه غفلت و آنرا حیوة سرگردان بانی در بند شهوت
په سامان یکی در صومعه تو بوالی الله در شو و در محراب فانی بوالی ربکم توجه بران
حضرت کن و بدان صدق و اخلاص بر جوان که انی و جهت وجهی للذی و طهر
السموات و الارض حیفا تا نفا یس سرار و هو الذی یقبل التوبه عن عباده
و یغفر عن السبات از خزائن الطاف ان الله غفور رحیم بر تو مکتوف
شود و بیک غایت بنسرت چنین دار سازند که ان الله یحب التوابین
و یحب المتطهرین و بعد از معارج تفر من تاد عروج بخشد و نادیدی اقبالی
بزبان جان ندانند که ان الذین قالوا بینا الله ثم استقاموا فلا خوف علیهم
ولا هم یحزنون عزیز قلبی سلیم باید تا بروز فاعتر و یا اولی الابصار اطلاع یابد
و عقلی کامل تا ذائق اسرار سیریم آیاتانی الآفاق ذنی فهم را در کسند
و یقینی صادق تا شنو اهر معرفت دان من شبی الایح کجده و لکن لا یفقهون
سیریم را بعین قلب مشاهده بند و داعی و وصل را که و اذ ساک عبادی
فانیه قریب اجیب و عوة الدع و اذ اعان بجان مستقبل شود و از زور جرتنبیه
و خبتم انما خلقناکم عبدا و انکم الینا لاترجعون از خواب غفلت و یلهیم الامل
فسوف یعلمون بدر کرد و بعبوده و نعی و کلم من دون الله من ولی و لا ینصیر
چنگ دزدند و بر سفیه و غفروالی الله سوار شود و در دریای معرفت و ما خلقت
اجن و الالاس الالیعبدون مردانه بغوا صیح مرز و آید لکر کوهر مطلوب چنگ

انتد فقد فاز فوزا عظیما و اگر جان همه در طلب بر آید فقد وقع اجره علی الله
ای عزیز چون سموس معارف از مطالع سموات سرایر طلوع کند
و از اضی قلوب بنور است و امنور کرد که و اشرقت الارض بنور بهاد
اغطیه ظلام جهالت از پیش لبهار عقول مرتفع شود که فکشفنا عنک
غطاءک نو اظر افهام من هد لوامع انوار عالم قدس از حیرت چشم باز ماند
و خواطر و کفار مکاشف عجب اسرار ملکوت در تعجب شود و ایجان عشق
او را در بوادی طلب سرگردان کند و غلیان شوق او را در موطن قرآن خشد
و نادیدی ان الله لذو فضل علی الناس ندانند و هو معکم انما کنتم چون بر کنه
نگشته رسمیت مطیع کرد دستی خود را کم کند و لا تجعل مع الله الهاتر
در دریای نیستی فرد شود تا کوهر توحید را بحد آرد امواج غیرت او را در بحر
حیطة عظمت در اندازد و از هیبت خواهد که بر کناره آید در کرداب حیرت
در رفتد کوید رب انی ظلمت نفس فاغفر لی مواکب امداد الطاف
و حملنا هم فی البر و البحر و در در او را ب حل لطف نصیب بر حمتنا من
فرد او و مغایر خزایین سرار و الله بکل شیئی محیط بد و بسیار و بر موز
اشارات و ان الی ربک المنتهی اطلاع بخشد پس بدانند فادجی الی عبده مالود
چه باشد و قدرای من آیات ربه الکبری چه معنی دارد ای عزیز چون
عساکر جذبات که الله یحب الیه من یشاء بر ولایت قلوب در تابه

طوح نفوس اماره را بجام ریاضت جاهد و فی الله حق جهاد و مرتاض و منزل
گرداند و چهاره ایویه را در مجلس سلیمان مجاهده در کند و فرعونیه
با غلال طیعو الله و طیعو الرسول مقید گرداند و عمل ارادت را بتادیب
و من یعمل سوء یجزیه سزا دهد و انبیه رسوم و عادات و قواعد در کان
تبلیس و طامات را بکلی از میان بردارد و منادی حال زبان صدق مقل
ندکند که ان اللوک اذا دخلوا قریته فسدونها و جعلوا العزاة اهلها اذله
چون عرصه صفا قلوب از لوث شوایب اگرد و من یتبع غیر الاسلام
دینان یقبل منه صفا گردد و حدائق ارواح از نایم الطاف من
بهدی الله فهو المهدی سربس معطر و مردوح شود و صفحات اوراق سربس
از نفائس رقوم لطایف اولیک کتب فی قلوبهم الایمان مرقوم گردد
و مشکاة ضایر از لواجم النور و الله متم نوره مرآة بوارق شهود شود و لواجم
بروق یوم تبدل الارض غیر الارض صفت حال او گردد و درسی شوق
چون هباء مشور در هوا شود و بزبان حلا باز گوید و تری بجهال تحسبها جامده
و هی تمر السحاب سراقیل عشق صور در عدد و نغخ فی الصور تا نیر صاعقه
فصعق من فی السموت و من فی الارض بظهور نجا مدینه اقبالی لا
بخزیم الغرز الا کبر در رسد و این ترا تمکین دهد و بعلمین مقعه صدق
داعی شود و صوان بابت رت بنه تکم الیوم پس آید و ابواب خات نعیم

باز

بکت ید و بگوید سلام علیکم طبتتم فادخلونا خالدین و قالوا الحمد لله الذی
صدقنا و عدده و اورثنا الارض یتبوء منتهی بحیث انت و فنعیم حیر
العالمین **۵۵ ای عزیز** یکی از دعوائی شهوات که ولا یتبع الحوی صلیک
عن سبیل الله اعراض کن و از مواضع غفلت و لا تطع من غفلنا
قلبه عن ذکرنا پس درون آی و از محبت اهل قسوت که فویل للقاسیه
قلوبهم من ذکر الله به پریند و از منادی استجیبوا لربکم من قبل ان یاتکم یوم
لا مرد له منه الله ندای الام بان للذین امنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله کمون
هوش استماع کن و بر تنبیه ایحسب الانسان ان یترک سبی از جواب عزور که لا
یفزکم بالله الفور سپدار شود و از منازل اهل حضور که رجال لا تلهیهم تجارة و البیع عن
ذکر الله خیر یا زبرس و از برای کعبه مقصود و از سر قدم ساز و در باویه القطع
که و تبس الیه تبسلا باز او خرید که قل الله تم در هم در احدی تفویض که افوض امری الی الله
باتقانله اهل صدق که کولوا مع الصاوقین سا فر شو و از مساکن زخارف
دنیاکه انا جعلنا ما علی الارض زینته لها عبور کن و از سبیل مساکن متن
که انما امواکم و اولادکم فستنه لسلامت بگذرد و از مناجات مساکن هر که ان متن
تذکره ممن شاء اتخذ الی ربه سبیلا رهی پیش کرد و بلسان و خطره ار که امن بحسب
المفطر اذا دعان بالضرع و زرری بر خوان که اهدنا الصراط المستقیم تا مشر عیاش
قدیم الان اولیا ر الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون با هر چه بشارت تحت

ای عسری چون ریاح فضل و کرم از مهب عنایت قدیم در وزیدن آید بخار
طرب باین طلب در اهتر از شود و ادراک هموم از عصاره همیم جمله سبک
فروریزد و قمری شوق بیخات سف در ترم آید و بصوت خرم بر خواند که الم
یان للذین آمنوا ان تحت قلوبهم لذكر الله وعندليب الش بزبان حال
نغمه بر کشد که اچیبوا داعی الله و باهنگ منج حسن قولاً من دعا الی الله
و عمل صالحاً سر برده بچیم و چگونه را نواختن کیر و چون ترانه قدینا
لکم الآیات لعلمکم تفتلون بما مع قلوب مشتاقان در سرار مجال
که ان فی ذلک لذكری لمن کان له قلب او التقی السمع و هو شهید در
رسد و بهای ایشان از لذت و محبت پاره پاره شود کونید سابقوا
الی مغفرة من ربکم و جنته عرضها السموات و الارض جاذبه و الله
یدعو الی دار السلام همراه ایشان شود و از خویش کله بر باید و بر صراط
الی ذاب الی ربی سیه در داعی شود چون بمنازل بند اطرا بر یک
ستقیما در رسد و از اشجار ریاض انالی ربنا لتقبلون نمازان
بذ الرزقنا مالاً من لغا و بر جنبه و از حیاض زلال سرار و علم بان
الله بری باید می من استدی فانما یتدی لنفسه عشر اف نماید و بی
الطاف خفیه و هو معکم انما کنتم و الله بما تعملون بصیرت م جان پیش
رسد و بوارق شهود و کهنه اقرب الی من جبل الوری در لعان آید

اطیار ارواح

اطیار ارواح در اقصای شباه در فضای عالم قدس ببال شوق در پرواز
شود و آشیان قدیم نایار و در طوار طباق مسافات بعد پس نیت اندازد
و گوید اینی و جهت وجهی للذی فطر السموات و الارض مرکب طلب در سر
صدق که یوم ینفع الصادقین صدقم در میدان اولک الذین هدی الله
بهدیههم فتنه تازد چون سر حدیقه اینما تو لو انتم وجه الله در رسد و از در مقصد
صدق عند ملک معتد در خبر باز برسد در یای محیط و ما قدر و الله حق
قدره پیش آید و از تلامذم اموج و استقیم کما امرت و من تاب معک ولا
تظفوا در لجه حیرت فرو ماند بلبان اخطر از نذا کنه لاله الا انت
سجایک اینی کنت من الظالمین منادی در یک الغفور ذو الرحمة نذا کنه
اعتصموا بالله هو مولیکم فسم الموی و نعم النصیر اعدا الطاف هو الذی یهیم
فی البر و البحر در رسد و ب حل لطفات ان الله لذو فضل علی الناس و لکن
اکثر الناس لایت کرون و ارساند رضوان سابقه عنایت از پی زوار
السلام و الله عنده حسن الالب باشارت سلام علیکم بما صبرتم در پیش آید
و گوید ذلک هدی الله یهدی به منزهت با و من یفک الله فاله من ناد **عسری**
یک در کنار خانه عجایب ملک افم تظروا الی السماء فو قم کیف بنینا در نشو
ابریغ و دایع عبره کن که در لویح لطائف و زینا ناد ما هانم فزوج مندرج است
بعین بصیرت مطالع کن و در حدائق غریب منایب سوانع نعم و الارضی

مدونا ما دیده فکرت را بکار و در توار و شکای تمانیل والیقینا فیها رو بس نظر
عبرت نظاره کن و از اعضاء اشجار ریاض و نباتات فیها من کل زوج
بسیج نمرات تبصره و ذکر کی لکل عبد منیب بر چنین و در ظلمات و زلالتنا
من السماء حشریمه آیات ما مبارک کا طیب کن و بایده شیخ
اعتساف غائی تا فرعون اعمال تو در او دیده قلوب و نباتات و نباتات
به جنات و حب محبیده همه سبز شود و کجاستان مقاصد بعبادین
مراد و النخبه باسقات لها طلع نصید رزق اللعاب و حمد سبز و بارور
کرد و دعوا مضی اسرار و امینا به بلده میتا از پرده کتمان بظهور نیاید

والله اعلم بالصواب
اللهم عافنا و اعف عنا
اهدنا الصراط المستقیم لفضلک
الوعظیم آمین محمد نابه عنی عن

ربیع بسم الله الرحمن الرحیم دعای بخیر

طریق نماز تهجد پسند حضرت شیخ الاسلام عبد القادر جیلانی کبیر قدس
سره برین ترتیب نیت **دو رکعت نیت** ان صلی الله تعالی رکعتین صلوة
التهجد بجامع خیرات و حسنات و قبول الطاعات متابعه للنبی صلی الله
علیه و سلم متوجه الی جهنم عرشته الکعبه الله اکبر در رکعت اول بعد از فاتحه

ربنا تقبل منا انک انت السميع العظیم شنش بار بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه
ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار شنش بار
بخواند بعد از سلام این دعا بخواند اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک وسلم
اللهم ربنا تقبل منا و اسعدنا و اجعلنا تحت رداء سعادتک و عصمتنا من
الاعداء فی قبة عصمتک و اتنا نسیم شراب محبتک و نعیم قربتک یا رحمن یا رحیم
و صل علی خیر خلقک محمد و آله الطیبین الطاهرين **نیت دو رکعت نیت** ان
اصلی الله تعالی رکعتین صلوة التهجد استقامته لامور الدین و حفظا للایمان و
لنرة علی الاعداء متابعه للنبی علیه الصلوة و السلام متوجه الی جهنم عرشته الکعبه
الله اکبر در رکعت اول بعد فاتحه ربنا افرغ علينا کعبه او نبت اقدنا و اقرنا
علی القوم الکافرين بیج بار بخواند و در رکعت دوم ربنا لا تقنا و اخذنا ان نسنا و
اخذنا ربنا و لا تحمل علينا اصر الکما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا
ملاطقاته لنا به و عفا عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم
الکافرين بیج کان بار بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند اللهم صل علی محمد
و علی آل محمد و بارک وسلم اللهم انصرنا علی اعدائنا و نبت اقدنا علی توحیدک
و اجلنا علی باب محبتک و اعزل قلوبنا عن ذنس الاعیار و در زقتنا نظر
الاعتبار یا عالم السر و الخفیات و صل علی خیر خلقک محمد و آله جمعین **نیت دو رکعت نیت**
نیت ان اصلى الله تعالی رکعتین صلوة التهجد لصلاح الامور و الولاية الصلوة الله